

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



اندیشکده تحلیل گفتمان راهبردی

(۲)

فرهنگ توصیفی - کاربردی

# نشانه شناسی

دکتر حسن بشیر

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



انشارات  
دانشگاه امام صادق علیه السلام

**عنوان:** فرهنگ توصیفی - کاربردی نشانه‌شناسی

**مؤلف:** دکتر حسن بشیر

**ناشر:** دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

**صفحه‌آرا:** محمد روشنی

**طراح جلد و مشاور هنری:** رسول خسروبیگی

**ناظر نسخه‌پردازی و چاپ:** رضا دیا

**چاپ و صحافی:** چاپ سپیدان

**چاپ اول:** اسفند ۱۴۰۱

**قیمت:** ۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال

**شمارگان:** ۵۰۰ نسخه

**شابک:** ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۶۹-۰

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است»

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۳ و ۲  
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱  
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
فروشگاه اینترنتی: [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir) • <https://press.isu.ac.ir>

سرشناسه: بشیر، حسن، ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ توصیفی - کاربردی نشانه‌شناسی / حسن بشیر.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۵۰۵ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۶۹-۰

یادداشت: اندیشکده تحلیل‌گفتمان راهبردی - ۲

موضوع: نشانه‌شناسی - اصطلاح‌ها و تعبیرها

موضوع: نشانه‌شناسی - واژه‌نامه‌ها - انگلیسی

موضوع: زبان انگلیسی - واژه‌نامه‌ها - فارسی

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

رده‌بندی کنگره: P ۹۹

رده‌بندی دیویی: ۳۰۲/۲۰۳

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۱۶۲۱۵

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.  
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## فهرست

۷	.....	سخن ناشر
۹	.....	مقدمه
۱۳	.....	آ
۲۱	.....	ألف
۶۴	.....	ب
۷۵	.....	پ
۸۷	.....	ت
۱۱۴	.....	ج
۱۲۳	.....	چ
۱۲۴	.....	ح
۱۲۶	.....	خ
۱۳۱	.....	د
۱۴۷	.....	ر
۱۸۹	.....	ز
۲۲۰	.....	ژ
۲۲۲	.....	س
۲۳۶	.....	ش
۲۴۳	.....	ص
۲۴۷	.....	ض
۲۴۸	.....	ط
۲۵۲	.....	ع

۶ فرهنگ توصیفی - کاربردی نشانه‌شناسی

۲۵۵	.....	ف
۲۷۲	.....	ق
۲۸۰	.....	ک
۲۹۰	.....	گ
۲۹۷	.....	ل
۲۹۹	.....	م
۳۳۳	.....	ن
۴۲۳	.....	و
۴۳۰	.....	هـ
۴۳۸	.....	ی
۴۳۹	.....	واژه‌های فارسی - انگلیسی
۴۶۹	.....	واژه‌های انگلیسی - فارسی
۴۹۹	.....	منابع فارسی
۵۰۳	.....	منابع انگلیسی

## سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به‌عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده

درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنهاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه



## مقدمه

فرهنگ‌نامه‌ها و واژه‌نامه‌ها یکی از مهم‌ترین متونی هستند که مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از دلایل اساسی اهمیت آنها، دسترسی آسان افراد به معانی مفاهیم و واژه‌های مختلف در علوم گوناگون است. اصولاً این فرهنگ‌نامه‌ها و واژه‌نامه‌ها، معمولاً مبتنی بر تعاریف ارائه شده توسط طراحان و اندیشمندان آنها می‌باشد. آنچه تاکنون نیز معمول بوده و با توجه به اینکه عمده‌تأ علوم اجتماعی در جهان غرب شکل گرفته و طراحی شده‌اند، معانی و تعاریف مزبور نیز توسط آنان تهیه و تدوین شده‌اند و در سطح جهانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ اما تعاریف این واژه‌نامه‌ها معمولاً مشخص نیست که توسط چه کسانی تهیه و ارائه شده‌اند. این مسئله در رابطه با دایره‌المعارف‌ها کاملاً متفاوت است. به عبارت دیگر در دایره‌المعارف‌ها، مفهوم تفصیلی هر واژه توسط متخصصان با ذکر نام آنان درج می‌گردد. اما «فرهنگ توصیفی-کاربردی نشانه‌شناسی»، دو تفاوت اساسی با واژه‌نامه‌های یا فرهنگ‌نامه‌های دیگر دارد.

۱- مستندسازی: تلاش شده است که کلیه مفاهیم این واژه‌نامه، به شکل مستند، از کتاب‌های مهم نشانه‌شناسی، با ذکر دقیق نام نویسندگان و منبع مورد استفاده جمع‌آوری شوند. به عبارت دیگر از نظر اینکه تنها به تعاریف اکتفا می‌کند و به معنای تفصیلی واژه نمی‌پردازد، به واژه‌نامه‌های معمولی شباهت دارد و با توجه به

اینکه ارائه‌کننده تعریف و منبع مرتبط با آن ذکر شده است، شباهت به دایره‌المعارف‌ها دارد.

۲- بومی‌سازی: علاوه بر معانی ارائه‌شده توسط اندیشمندان غربی که معمولاً این‌گونه واژه‌نامه‌ها بر پایه تعاریفی که غربی‌ها از مفاهیم این علوم ارائه می‌کنند مبتنی است، تلاش شده تا آنجا که ممکن باشد بر پایه معانی ارائه‌شده توسط اندیشمندان ایرانی نیز استوار باشد.

یکی از دلایل مهم این رویکرد در جمع‌آوری تعاریف ارائه‌شده توسط اندیشمندان و استادان ایرانی برای مفاهیم مختلف "بومی‌سازی علمی" است. با توجه به این رویکرد، تلاش شده است تا حتی الامکان از کتاب‌های معروف در حوزه نشانه‌شناسی استفاده‌شده و تعاریف و دیدگاه‌های مختلف جمع‌آوری و تدوین شوند.

یکی دیگر از فواید این روش، ایجاد زمینه‌ای مناسب برای به‌کارگیری تعاریف موجود با توجه به ارائه‌دهنده آنها که بعضاً ایرانی هستند، می‌باشد. گرچه این تعاریف ارائه‌شده، شاید مبتنی بر تعاریف دیگران نیز باشد؛ اما طرح نام اندیشمندان و استادان ایرانی در کنار استادان و اندیشمندان خارجی نه تنها دانشجویان و دانش‌پژوهان را با تعاریف ارائه‌شده توسط استادان ایرانی آشنا می‌سازد، بلکه درحقیقت آنان را با نام و حوزه علمی این استادان نیز آشناتر می‌کند. این حرکت خود نوعی از "بومی‌سازی علمی" است که به نظر می‌رسد، در کنار سایر حرکت‌های دیگر می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد.

درحقیقت یکی از انگیزه‌های مهم در تدوین این فرهنگ‌نامه، همین نگاه به طرح نام و دیدگاه اندیشمندان و استادان ایرانی به مفاهیم مختلف است. ما متأسفانه هیچ‌گونه تلاش جدی در طرح نام و دیدگاه‌های اندیشمندان ایرانی در کنار اندیشمندان خارجی نکرده‌ایم. این حرکت شاید بتواند، فتح بابی برای یک حرکت وسیع در جهت "بومی‌سازی علمی" تلقی گردد. حرکتی که نه تنها باید در تعاریف مفاهیم گنجانده شود، بلکه در طراحی نظریه‌ها، اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها تعقیب شود.

در این فرهنگ‌نامه همچنین تلاش شده است که معادل واژه‌های مهم به زبان

انگلیسی نیز آورده شوند. این خود می‌تواند به یک واژه‌نامه مستقلی در این زمینه تبدیل شود که در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد.

جهت آشنایی عمیق‌تر با این فرهنگ‌نامه چند نکته مهم مطرح می‌شود:

۱- کلیه مطالب درج شده در این کتاب به صورت نقل قول مستقیم است. به همین دلیل مطالب بین دو گیومه قرار گرفته‌اند. بدیهی است که تلاش شده است هیچ تصرفی در شیوه نگارش این مطالب صورت نگیرد.

۲- تلاش شده است کلیه منابع مورد اشاره در تعریف هر مفهوم، اعم از فارسی و انگلیسی، با دقت جمع‌آوری و در منابع پایانی آورده شوند؛ بنابراین، می‌توان گفت که علاوه بر اصل منبع نقل قول، منابع درون‌متنی نیز در این زمینه درج شده‌اند.

۳- برخی از مفاهیم از چند واژه تشکیل شده‌اند که بر اساس اهمیت، واژه مهم‌تر در آغاز و بقیه واژه‌ها بعد از ویرگول آمده‌اند تا بتوان آسان‌تر به مفاهیم اساسی دست یافت.

۴- تلاش شده است که تعاریف و مطالب توضیحی هر مفهوم از کتاب‌های مهم و استادان به نام جمع‌آوری و ارائه شوند. بدون اغراق می‌توان گفت که ده‌ها کتاب به صورت دقیق مطالعه و تلاش شده است که مهم‌ترین دیدگاه‌ها، تعاریف و توضیحات در رابطه با هر مدخل/مفهوم تعیین و درج شوند. تشخیص و انتخاب این مطالب خود یک پروسه بسیار وقت‌گیر، دقیق و نیازمند تجربه عمیقی بود که در این زمینه امید می‌رود که موفقیت لازم کسب کرده باشد.

۵- در بسیاری از موارد تلاش شده است که تعاریف و دیدگاه‌های مختلف در رابطه با یک مدخل/مفهوم ارائه شوند تا خواننده بتواند انتخاب لازم را انجام دهد.

۶- تهیه و تدوین این فرهنگ‌نامه می‌تواند در چابک‌سازی نوشتن پایان‌نامه‌ها، مقالات و کتاب‌های مرتبط با صرف کمترین زمان ممکن کمک نماید.

۷- یکی از فواید این اقدام که امید می‌رود در حوزه‌های دیگر نیز انجام گیرد، آشنایی با تنوع و تعدد مدخل‌ها/مفاهیم گوناگون در حوزه نشانه‌شناسی است. آشنایی به این تنوع و تعدد می‌تواند شمولیت یا محدودیت طرح این‌گونه موارد به زبان فارسی را نشان دهد که در تکمیل مطالب مرتبط با موضوع مورد بحث می‌تواند اثرگذار باشد.

۸- در این کتاب حدود هزار مدخل / مفهوم مورد معرفی قرار گرفته‌اند. بدیهی است که گاهی برای هر مفهوم چندین تعریف و توضیح آمده است که کتاب را به یک فرهنگ / واژه‌نامه جامع تبدیل کرده است. این کتاب دومین کتاب از مجموعه کتاب‌های «اندیشکده تحلیل‌گفتمان راهبردی» است که برای انتشار آماده شده است. امیدوارم این کتاب که یک فرهنگ‌نامه مستند درباره نشانه‌شناسی است برای استادان، پژوهشگران، دانشجویان و سایر علاقه‌مندان به مباحث مختلف نشانه‌شناسی منبعی مفید و قابل استفاده باشد.

دکتر حسن بشیر

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

### آرایه<sup>۱</sup>

«نجومیان به نقل از سوزان سونتاگ می نویسد: «ازآنجا که هر عکس تنها یک قطع است، بار عاطفی و احساسی آن بستگی به جایی دارد که قرار می گیرد. یک عکس بر اساس زمینه و بافتی که دیده می شود، دگرگون می گردد» (۱۳۸۶: ۱۱۳). (نامور مطلق و کنگرانی، ۱۳۹۵: ۲۷۴).

### آشکارگی یا برجستگی، مفهوم<sup>۲</sup>

«مفهوم آشکارگی یا برجستگی<sup>۳</sup> که برای اولین بار از سوی رومن یا کوپسن به کار رفت. معمولاً در مورد واژه های زوج در محور جانشینی به کار می رود. معمولاً گزینش صورت برجسته و آشکار در متن، خود پیام خاصی را افاده می کند. در مواردی که متنی از حیطة چشمداشت ها و انتظارت متعارف خارج می شود، آن را آشکار یا برجسته می نامند. برعکس، یک متن متعارف که از فرمول های جاری تبعیت می کند فاقد برجستگی است. در صورتی که یک متن غیرمتعارف، واجد خصوصیت برجستگی است. از این رو چنین متنی به تأویل نیازمند است. به طور کلی یک دال بارز و برجسته دارای خصلت های نشانه شناختی ویژه ای است» (ضمیران، ۱۳۸۲: ۱۰۲-۱۰۳).

(همچنین نک: ◀ ارزش مفهومی ▶ استدلال، ساختار مفهومی ▶ تفاوت نشانه با مفهوم ▶ خرده متن و دلالت مفهومی ▶ فضای مفهومی ▶ مفهوم ▶ نشانه شناسی هنر، مفهوم قاب در).

### آشنایی با زبان<sup>۴</sup>

«آشنایی با زبان، آشنایی با دو کارکرد متفاوت است. از یکسو باید نقش واج ها و آواها را درک کرد، از سوی دیگر باید مفاهیم (نقش دستوری تکواژ) را شناخت.

---

1 . Array  
 2 . The Concept of Revealing and Prominence  
 3 . Nakedness  
 4 . Knowing by Language

نخستین کارکرد در حکم شناخت دال است و دومین کارکرد ایجاد مدلول یا تصور ذهنی از معنای موضوع است. در سینما دال و مدلول به گونه‌ای کم سابقه به یکدیگر نزدیک می‌شوند» (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۲).

(همچنین نک: ◀ آوهای غیر زبان‌شناسیک، انواع ◀ ارتباطات آوایی یا پیرازبان ◀ پیام، کارکرد فرازبانی ◀ جایگزین‌های زبان ◀ چندزبانگی، پدیده ◀ دستور زبان زایشی ◀ رمز زبانی ◀ رمزگان‌های پیرازبانی ◀ زبان ◀ زبان استعاری ◀ زبان دلالت‌معنایی ◀ زبان و گفتار ◀ زبان تصویر ◀ زبان، عناصر کارکردی ◀ زبان، نظام ◀ شم زبانی ◀ فرازبان ◀ نشانه زبانی ◀ همگانی‌های زبانی)

### آشوب در نظم<sup>۱</sup>

«احمد پاکتچی در مقاله «معناسازی با چینش آشوب در نظم، در رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی» آشوب را وضعیت آمیختگی + بی‌سامانی و نظم را وضعیت تمایز + سامان‌یافتگی دانسته است. وی آشوب را وضعیت مجموعه‌ای از اجزا تعریف کرده که همراهی آنها از معیار تمایز و سامان پیروی نمی‌کند، درحالی‌که نظم وضعیت مجموعه‌ای از اجزاست که همراهی آنها از معیار تمایز و سامان پیروی می‌کند. پاکتچی در این مقاله به جایگاه ناظر، در «آشوب» اشاره کرده است، به گونه‌ای که اگر ناظر، یک ناظر همه‌چیزدان باشد که نظم پیشینی یک وضعیت آشوب‌زده را درک کرده باشد، آشوب فعلی را نیز درک خواهد کرد؛ اما یک ناظر عادی که وضعیت پیشینی را درک نکرده، نمی‌تواند وضعیت آشوب فعلی را متوجه شود. همچنین از دید یک ناظر عادی چیزی می‌تواند نظم تلقی شود که از دید ناظر دیگر، آشوب به حساب می‌آید و برعکس. به عبارت دیگر، نظم در دیدگاه «خودی» می‌تواند برابر باشد با آشوب در دیدگاه «دیگری» و برعکس. پاکتچی وقوع بی‌نظمی در یک امر نظام‌مند را دارای درجات مختلفی دانسته که می‌تواند در طیفی از غالبیت قاطع تا مغلوبیت قاطع آشوب در نوسان باشد. به عقیده وی، آشوب به دو صورت می‌تواند در تقابل با نظم قرار گیرد؛ زیرا گاه آشوب به دنبال سلب امر مرکب و گاه به دنبال سلب امر ترکیب است. از ترکیب دو حالت غالب و مغلوب و دو حالت سلب

1. Chaos in Order

ترکیب و سلب مرکب، چهار گونه معناسازی به دست می‌آید: ۱. غالبیت آشوب با جهت‌گیری سلب ترکیب، به دنبال فروپاشی کلی معنای مغلوب مبتنی بر نظم است؛ ۲. غالبیت آشوب با جهت‌گیری سلب امر مرکب، به دنبال فروپاشی هیئت ترکیبیه معنای مغلوب مبتنی بر نظم است و آن را به اجزای مرکبه تقلیل می‌دهد؛ ۳. مغلوبیت آشوب با جهت‌گیری سلب ترکیب به دنبال آن است که تمامیت ترکیب ر نقد کند و نشان دهد ترکیب آن‌گونه که به نظر می‌رسد به طور کامل رخ نداده است و هنوز اجرای مرکبه به صورت مغلوب، به فعالیت آزاد خود ادامه می‌دهند. در این میان، به خصوص باید به مواردی اشاره کرد که این ناسازگاری زمینه‌ساز انتقال به یک نظم کلان‌تر است و آنچه به مثابه بی‌نظمی خود را نموده، در واقع نوعی نظم‌مندی است که فقط در مقابل نظام بزرگ‌تر با قواعد پیچیده‌تر قابل درک است؛ ۴. مغلوبیت آشوب با جهت‌گیری سلب امر مرکب به دنبال آن است که فراگیری معنای غالب مبتنی بر نظم را نقد کند و نشان دهد که در مواردی آن معنا مصداق ندارد (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۸۴-۱۱۳) «نامور مطلق و کنگرانی، ۱۳۹۵: ۳۸۰-۳۸۱».

(همچنین نک: ◀ نشانه‌ای، نظم)

### آغاز و پایانه<sup>۱</sup>

«آغاز عنصری است که پیام با آن شروع می‌شود و بند درباره آن است [یعنی موضوع بند را شکل می‌دهد]. مابقی پیام، یعنی آن بخشی که آغاز در آن بسط و توسعه می‌یابد، پایانه نامیده می‌شود (به نقل از هلیدی، ۱۹۸۵: ص ۳۹)» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

### آگاهی<sup>۲</sup>

«آگاهی به آنچه اشاره دارد که ما نسبت به آن هشیار هستیم. آگاهی بخش «نسبتاً بسیار کوچکی» از روان است (Hinsie and Campbell, 1970: 585)» (آسابگر، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

(همچنین نک: ◀ رمزگان ناآگاهی ◀ صنعت آگاهی)

### آنتروپی و حشو<sup>۱</sup>

- ۱- «مفهوم حشو وابستگی نزدیکی به «اطلاعات» دارد. حشو آن است که یک پیام، پیش‌بینی‌پذیر یا قراردادی باشد. آنتروپی متضاد حشو است. حشو نتیجه پیش‌بینی‌پذیری زیاد و آنتروپی نشانه پیش‌بینی‌پذیری اندک است؛ بنابراین پیامی با پیش‌بینی‌پذیری اندک را می‌توان آنتروپی و دارای اطلاعات بسیار دانست. برعکس پیامی با پیش‌بینی‌پذیری زیاد دارای حشو با اطلاعات اندک است» (فیسک، ۱۳۸۸: ۲۳).
- ۲- «استفاده عمومی از این اصطلاح برای القای عبث بودن آن گمراه‌کننده است. حشو نه تنها در ارتباطات مفید است که کاملاً حیاتی است. ارتباط به طور نظری می‌تواند بدون حشو شکل بگیرد؛ اما امکان ارتباط بدون حشو در موقعیت‌های عملی چنان نادر است که انگار وجود ندارد. درجه‌ای از حشو برای ارتباط عملی ضروری است. زبان انگلیسی در حدود پنجاه درصد حشو زائد دارد» (فیسک، ۱۳۸۸: ۲۳).
- ۳- «پس حشو چه کاربردی دارد؟ حشو دو نوع کارکرد عمده دارد: نخست فنی است و شائون و ویور آن را خوب وصف کرده‌اند؛ دومی دربرگیرنده بسط مفهوم به بُعد اجتماعی است» (فیسک، ۱۳۸۸: ۲۴).
- ۴- «شائون و ویور نشان داده‌اند که چگونه حشو به صحت رمزگشایی کمک می‌کند و معیاری فراهم می‌آورد که در تشخیص خطا توانایمان می‌سازد. به علت حشو در زبان، من می‌توانم غلط املائی را تشخیص دهم» (فیسک، ۱۳۸۸: ۲۴).
- ۵- «اگر می‌خواهیم به مخاطب بیشتر و ناهمگن‌تر دسترسی داشته باشیم، لازم است پیامی با درجه بالای حشو طراحی کنیم. از سوی دیگر به مخاطب محدود، متخصص و همگن می‌توان با پیام آنتروپیک دسترسی یافت. به این ترتیب هنر عامه‌پسند نسبت به هنر متعالی حشو بیشتر دارد» (فیسک، ۱۳۸۸: ۲۵).
- ۶- «انتخاب مجرا می‌تواند بر نیاز به حشو در پیام تأثیر بگذارد. گفتار نیاز به حشو بیشتری از نوشتار دارد، زیرا شنونده نمی‌تواند حشو خود را وارد کند، حال آنکه



خواننده می‌تواند چیزی را دوباره بخواند» (فیسک، ۱۳۸۸: ۲۵).

۷- «تدوین پیام طبق الگوی مشترک یا عرف‌ها، یک راه کاهش آنتروپی و افزایش حشو است. تحمیل یک الگو یا ساختار زیباشناختی بر دستمایه‌ای نیز دقیقاً همان کار را می‌کند. شعر موزون با تحمیل الگوهای مکرر و بنابراین قابل پیش‌بینی وزن و قافیه از آنتروپی می‌کاهد و بنابراین بر حشو می‌افزاید» (فیسک، ۱۳۸۸: ۲۶).

۸- «حشو، بخشی جدی از رضایت‌مندی است که شکل و ساختار اثر هنری آن را فراهم می‌آورد... اثر هنری هرچه محبوب‌تر و بیشتر در دسترس همگان باشد، در شکل و محتوا حشو بیشتری خواهد داشت. ترانه‌های قومی سنتی و مجموعه‌های تلویزیونی مثال بارز این موضوع‌اند» (فیسک، ۱۳۸۸: ۲۷).

### آنومی<sup>۱</sup>

«آنومی (anomie) اصطلاحی که جامعه‌شناس فرانسوی، امیل دورکیم (Durkheim, 1951) آن را ابداع کرد، به معنای «فقدان هنجار» است. این واژه از لغت یونانی نوموس (nomos) یا هنجار مشتق می‌شود. به بیانی کلی، افراد و گروه‌های آنومیک از هنجارها، قوانین، یا قواعد جامعه در کل پیروی نمی‌کنند. به عنوان نمونه، گروهی از سارقان ممکن است از افرادی تشکیل شود که با خود بیگانه نیستند، بلکه آنومیک هستند. همین می‌تواند در مورد آنچه زمانی خرده‌فرهنگ‌های انحرافی (deviant subcultures) می‌نامیدیم، مانند جماعت هم‌جنس‌گرایان، صدق کند. اعضای خرده‌فرهنگ‌ها از برخی قواعد رفتاری تبعیت می‌کنند؛ اما غالباً این کدها با کدهای موجود در جامعه بزرگ‌تر متفاوت است. برخی از جامعه‌شناسان این نکته را مطرح کرده‌اند که کثرونی و انحراف در ارتباط با آنومی است و شاید حتی آنومی موجد آن است» (آسابرگر، ۱۳۷۹: ۱۵۸).

### آنیما<sup>۱</sup>

«در اندیشه یونگ، آنیما (anima) عنصر مؤنث موجود در همه افراد مذکر را بازمی‌نماید؛ و آنیموس (animus) نشان‌دهنده عنصر مذکری است که در همه افراد مؤنث وجود دارد» آسابرگر، ۱۳۷۹: ۱۴۲).

### آوا محوری<sup>۲</sup>

«آوا محوری تمایلی ناخودآگاه است که گفتار را بر نوشتار امتیاز می‌دهد» (چندلر، ۱۹۵۲ م/ ۱۳۸۷: ۳۳۷).

(همچنین نک: ◀ آواسازی (ادای کلمات) ◀ آواشناسی ◀ آواشناسی و واج‌شناسی ◀ آواهای غیر زبان‌شناسیک، انواع ◀ تفکیک‌کننده‌های آوایی ◀ مشخصه‌کننده‌های آوایی ◀ وابسته‌های آوایی)

### آواسازی (ادای کلمات)<sup>۳</sup>

«آواسازی (ادای کلمات) نشانه‌های آوایی قابل‌شنیدنی هستند که ساختار زبانی ندارند و ممکن است با گفتار همراه باشند و یا همراه نباشند» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۲۶۵).

(همچنین نک: ◀ آوامحوری ◀ آواشناسی ◀ آواشناسی و واج‌شناسی ◀ آواهای غیر زبان‌شناسانه، انواع ◀ تفکیک‌کننده‌های آوایی ◀ مشخصه‌کننده‌های آوایی ◀ وابسته‌های آوایی)

### آواشناسی<sup>۴</sup>

«زمانی که سوسور درباره آواشناسی که به تحقیق درباره تغییرات در زمان زبان گفتاری می‌پردازد، صحبت می‌کند، در رابطه با پدیده‌های آواشناختی دو اصطلاح «خودبه‌خودی» (spontaneous) و «ترکیبی» (combinatory) را به کار می‌برد. تغییرات خودبه‌خودی در واقع همان تغییرات «مطلق» است در حالی که تغییرات ترکیبی،

---

1. Anima  
2. Axis ax  
3. Voice Qualities and Vocalizations  
4. Phonetics

نسبی هستند. سوسور در مطالعات خود بر روی تغییرات در زمان بسیاری از باورهای نادرست زبان‌شناسی تاریخی و در زمان را از سر راه برداشت، یکی از این باورها که تا آن زمان هم همچنان مطرح بود، عبارت بود از این که تغییرات و تفاوت‌های آوایی تابع نژاد افراد متکلم به آن زبان است و هر نژاد دارای شرایط خاصی برای تلفظ است. محققان در واقع نمی‌دانند که چرا تعداد حروف بی‌صدا (consonant) در زبان‌های اسکان‌دیناوی بیشتر از زبان‌های لاتین است» (دینه‌سن، ۱۳۸۰: ۴۲-۴۳).

«آوا محوری تمایلی ناخودآگاه است که گفتار را بر نوشتار امتیاز می‌دهد» (چندلر، ۱۹۵۲ م/ ۱۳۸۷: ۳۳۷).

(همچنین نک: ◀ آواسازی (ادای کلمات) ▶ آوامحوری ▶ آواشناسی و واج‌شناسی ▶ آواهای غیر زبان‌شناسیک، انواع ▶ تفکیک‌کننده‌های آوایی ▶ مشخصه‌کننده‌های آوایی ▶ وابسته‌های آوایی)

### آواشناسی و واج‌شناسی<sup>۱</sup>

«سوسور تحقیق درباره‌ی زبان‌گفتاری را به دو شاخه‌ی آواشناسی (phonetics) و واج‌شناسی (phonology) تقسیم می‌کند. آواشناسی علمی است که از دیدگاهی تاریخی تغییرات به‌وجودآمده در زبان‌گفتاری را مورد بررسی قرار می‌دهد، درحالی‌که واج‌شناسی مشخصه‌های فیزیولوژیکی تلفظ و فراگویی (articulation) را مطالعه می‌کند.

سوسور در واقع می‌خواهد تأکید کند که به جای تکیه بر جنبه‌های فردی تلفظ - آنچه در واج‌شناسی مطرح است - بایستی به مطالعه‌ی کیفی آواهای (sounds) مختلف در قالب یک نظام پرداخت» (دینه‌سن، ۱۳۸۰: ۲۵).

«آوا محوری تمایلی ناخودآگاه است که گفتار را بر نوشتار امتیاز می‌دهد» (چندلر، ۱۹۵۲ م/ ۱۳۸۷: ۳۳۷).

(همچنین نک: ▶ آواسازی (ادای کلمات) ▶ آواشناسی ▶ آوامحوری ▶ آواهای غیر زبان‌شناسیک، انواع ▶ تفکیک‌کننده‌های آوایی ▶ مشخصه‌کننده‌های آوایی ▶ وابسته‌های آوایی)

### آواهای غیر زبان‌شناسیک، انواع<sup>۱</sup>

«انواع آواهای غیر زبان‌شناسیک را می‌توان در دو نظام متمایز نشانه‌شناسیک یعنی نظام نشانه‌های آوایی و نظام نشانه‌های موسیقایی تقسیم کرد» (احمدی، ۱۳۷۱: ۱۱۰-۱۱۱).

### آیین‌ها<sup>۲</sup>

- ۱- «آیین‌ها ارتباطاتی گروهی هستند؛ پیام‌های آیینی شده را یک جمع و به نام خود می‌فرستند. در نتیجه، در اینجا فرستنده گروه است و نه فرد» (گیرو، ۱۳۸۷: ۱۲۸).
  - ۲- «کارکرد آیین‌ها بیش از آنکه کارکردی اطلاعاتی باشد، کارکردی ارتباطی است» (گیرو، ۱۳۸۷: ۱۲۹).
- (همچنین نک: ◀ آیین‌های مرزی)

### آیین‌های مرزی<sup>۳</sup>

- ۱- «انسان‌شناسان ساختارگرا بحث می‌کنند که اهمیت حیاتی مرز بین مقوله‌ها در تمام جوامع رشته‌ای آیین‌های مرزی فراهم آورده که برای تسهیل انتقال بین آنها طراحی شده است» (فیسک، ۱۳۸۸: ۱۷۶).
  - ۲- «به‌طور کلی هرچقدر تخطی از مقوله‌ها بزرگ‌تر باشد، آیین سنجیده‌تر و مهم‌تر است. [مانند آیین‌های جنسی مربوط به بلوغ در جوانی]» (فیسک، ۱۳۸۸: ۱۷۶).
- (همچنین نک: ◀ آیین‌ها)

---

1 . Non-linguistic Vocal Types  
2 . Rites  
3 . Boundary Rituals

## الف

### اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری<sup>۱</sup>

«اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری، در گوهر خود، چیزی نیست جز فراگیری شماری از رموزها، بیشتر این رموزها برحسب طبقه اجتماعی، موقعیت جغرافیایی و گروه قومی فرد فرق می‌کنند. هرچند که بعداً این رموزهای خرد درون یک رمز کلی‌تر مثلاً «شخصیت آمریکایی» جا می‌گیرند» (اجلالی، ۱۳۸۳: ۴۸).

(همچنین نک: ◀ رمزگان اجتماعی ▶ رمزگان ارتباطات اجتماعی ▶ نقش اجتماعی ▶ زبان، ساخت‌های اجتماعی)

### اختلال / پارازیت<sup>۲</sup>

۱- «یکی از اصطلاحات الگو که معنایش واضح نیست، اختلال است. اختلال هر چیزی است که بین انتقال و دریافت به نشانه افزوده شود، بی‌آنکه منبع قصد انجام آن را داشته باشد. تغییر صدا یا خش خش توأم با صدا در تلفن، پارازیت‌های صدای رادیو و «برفک» پرده تلویزیون اختلال محسوب می‌شوند. ... اما مفهوم اختلال بسط داده شده است تا هر نشانه‌ای را که دریافت می‌شود و از سوی فرستنده ارسال نشده است یا هرچه را که صحت رمزگشایی نشانه مورد نظر را دشوارتر سازد، دربرگیرد. ... افکاری که جالب‌تر از گفته‌های سخنران باشد نیز اختلال محسوب می‌شود» (فیسک، ۱۳۸۸: ۲۰).

۲- «اختلال چه از مجرا ناشی شود و چه از سوی مخاطب یا فرستنده یا خود پیام، همیشه قصد فرستنده را مختل می‌کند و بنابراین دامنه اطلاعاتی را که می‌تواند به موقعیتی معین و در زمانی معین برسد، محدود می‌سازد» (فیسک، ۱۳۸۸: ۲۱).

### ادبیات هنری<sup>۳</sup>

«ادبیات هنری کلامی است و پدیده‌هایی را خلق می‌کند که خود معنادار هستند»

- 1 . Socialization Acculturation and
- 2 . Noise
- 3 . Art literature

(گیرو، ۱۳۸۷: ۹۹).

همچنین نک: ◀ خلاقیت هنری ◀ معنای فنی و معنای هنری ◀ نشانه‌های خطابی، خلاق و هنری)

### ادراک<sup>۱</sup>

۱- «بر اساس الگوی گرینر: ادراک انسانی، دریافت ساده محرک نیست، بلکه فرایندی است از کنش متقابل و مذاکره آنچه اتفاق می‌افتد این است که می‌کوشیم محرک بیرونی را با الگوهای درونی فکر و مفاهیم جفت‌وجور کنیم. این قرینگی که به وجود آمد، چیزی را دریافته‌ایم و به آن معنایی داده‌ایم. پس در این رابطه "معنا" از قرینگی محرک بیرونی با مفاهیم درونی مشتق می‌شود» (فیسک، ۱۳۸۸: ۴۳).

۲- «وقتی قرینگی یا شناسایی رخ بدهد، عکس آن چنان‌که هست، درک می‌شود. تا این لحظه ما احساس درماندگی می‌کنیم، چون گرچه سایه روشن و آشکال عکس را می‌بینیم، هنوز نمی‌توانیم بگوییم درکش می‌کنیم؛ زیرا ادراک پیوسته دربرگیرنده کشش به سوی فهم و سامان‌دهی است. دست نیافتن به معنا در آنچه درمی‌یابیم، ما را در حالت سردرگمی می‌گذارد» (فیسک، ۱۳۸۸: ۴۳).

۳- «این قرینگی را فرهنگ ما کنترل می‌کند که در آن مفاهیم درونی یا الگوهای فکری ما در نتیجه تجربه فرهنگی ما گسترش می‌یابند. این یعنی اینکه مردم با فرهنگ‌های گوناگون واقعیت را گوناگون درک می‌کنند. پس ادراک فقط فرایندی روان‌شناختی در چهارچوب فردی نیست؛ بلکه موضوع فرهنگ نیز هست» (فیسک، ۱۳۸۸: ۴۳).

همچنین نک: ◀ ادراک فاصله ◀ شیوه ادراکی)

### ادراک فاصله<sup>۲</sup>

«آخرین مورد، اینکه عواملی محیطی می‌تواند ادراک‌های مربوط به فاصله را به وجود

---

1. Perception

2. Distance Perception

بیاورد. ادراک‌های ناشی از ایجاد فاصله به دلیل دوری یا نزدیکی ما با دیگران بر نوع واکنش ما در برابر آنها تأثیر می‌گذارد. در واقع، ادراک‌های فاصله در محیط به سایر نشانه‌های غیرکلامی بستگی دارد. ما می‌توانیم با دور شدن از دیگران فاصله فیزیکی ایجاد کنیم. در محیط‌ها و فضای وسیع و در حضور دیگران، لازم است که با صدای بلندتری صحبت کنیم (که البته موجب می‌شوند تعامل‌های ما کمتر حالت شخصی یا خصوصی بگیرند)» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۳۳۱).

(همچنین نک: ◀ ادراک ▶ شیوه ادراکی)

### ادغام افق‌ها<sup>۱</sup>

«فهمیدن معنای متن صرفاً حکم فعال ساختن معنای درون متن را ندارد، بلکه همواره تلاشی است برای تولید معنا که در تعامل خواننده با متن معنایی تولید می‌شود که این فرایند بین خواننده و متن را که منجر به تولید معنا می‌شود، ادغام افق‌ها می‌نامند» (استوری، ۱۳۸۶/۱۹۵۰: ۹۰).

### ارتباط<sup>۲</sup>

۱- «ارتباط فی نفسه عملی نشانه‌شناختی است. هر عملی موجب تغییر می‌گردد و این تغییر در ابزار، فرد انجام‌دهنده عمل و آنچه حاصل عمل می‌شود، رخ می‌دهد. در این میان عمل نشانه‌شناختی از دیگر اعمال مستثنی نیست. حوزه کاری این نوع عمل در اجتماع است و از این رو تغییراتی که از آن حاصل می‌شود معنی دار می‌باشند. از این رو، معنی در حین عمل ارتباط به هر صورت می‌تواند به وجود آید» (کرس، ۱۳۹۲: ۴۴).

۲- «ارتباط همیشه زمانی رخ می‌دهد که توجه شخص مشارکت‌کننده متمرکز بر جنبه‌هایی از ارتباط باشد و بعداً اینکه به آن جنبه‌ها به دید یک پیام نگریست به آنها در قالب یک محرک شکل و صورت ببخشد. آن محرک وقتی توسط آن شخص تفسیر شود تبدیل به یک نشانه جدید می‌شود که در ذهن آن شخص به وجود می‌آید

و در عوض به صورت بالقوه منجر به اعمال ارتباطی دیگر می‌شود. توالی نشانه‌شناختی:

توجه ← شکل‌دهی ← تفسیر، فرایندی است که بی‌وقفه در حال وقوع است» (کرس، ۱۳۹۲: ۴۶).

(همچنین نک: ◀ ارتباط متقابل، انگاره ◀ ارتباط هویتی درون کلامی)

### ارتباط متقابل، انگاره<sup>۱</sup>

۱- «در سال ۱۹۶۰ رومن یاکوبسن انگاره ارتباط متقابل را مطرح و نظریه خویش را فراسوی مدل انتقال صرف مطرح نمود. او به اهمیت رمزگان و زمینه‌های اجتماعی اشاره نمود و یادآور شد که کارآمدی رویدادی گفتار متضمن به‌کارگیری رمزگانی است که نزد ارسال‌کننده و دریافت‌کننده مشترک است. او گفت در هر کنش ارتباطی (در گفتار) شش عامل وجود دارد: نخست ارسال‌کننده<sup>۲</sup> پیامی را برای گیرنده<sup>۳</sup> ارسال می‌کند. برای آنکه پیام قابل دریافت گردد باید زمینه‌ای<sup>۴</sup> قابل دریافت و فهم از ناحیه گیرنده وجود داشته باشد. باید رمزی<sup>۵</sup> مشترک میان گیرنده و فرستنده باشد، یعنی میان رمزپرداز و رمزگشا نوعی اشتراک وجود داشته باشد و سرانجام تماس<sup>۶</sup> یا کانالی فیزیکی و روانی میان فرستنده و گیرنده آن‌ها را قادر به ارتباط بایکدیگر کند<sup>۷</sup>» (ضمیران، ۱۳۸۲: ۱۵۲).

۲- «جان کورنر در رساله متن‌وارگی، ارتباطات و قدرت تعریف جالبی از همین انگاره عرضه داشته و مدعی است که می‌توان لحظه‌های یادشده را در سه وجه خلاصه کرد<sup>۸</sup>: ۱. لحظه رمزپردازی که بر رویه‌ها، عملکردها و شرایط نهادی، سازمانی و نیز رویه‌های تولیدی معطوف است؛ ۲. لحظه متن که عبارت است از ساختن نمادین، آرایش و شاید اجرای فرم و محتوای آنچه به چاپ می‌رسد،

---

1. Mutual Communication Idea

2. Addresser

3. Addressee

4. Context

5. Code

6. Contact

7. Jacobson, Roman (1960)

8. Corner, 1983, pp. 266-281.



منتشر شده و یا پخش می‌گردد؛ ۳. لحظه رمزگشایی که عبارت است از لحظه دریافت یا مصرف از سوی خواننده، شونده و بیننده‌ای که نقشی فعال در بازگشایی معناها و پیام‌ها ایفاء می‌کند. لذا نباید او را دریافت‌کننده‌ای منفعل تلقی کرد» (ضمیران، ۱۳۸۲: ۱۵۴).

(همچنین نک: ◀ ارتباط ▶ ارتباط هویتی درون کلامی)

### ارتباط هویتی درون کلامی<sup>۱</sup>

۱- «ارتباط هویتی درون کلامی» این ارتباط هویتی به دو شکل صورت می‌گیرد: در صورتی که گفته پرداز در ابتدا مطلبی را به شکل گسترده بیان کند و سپس در جایی دیگر به جای تکرار آن، به شکلی بسیار فشرده (با واژه‌ای) به کل آن مطلب پردازد، ارتباط هویتی درون کلامی از نوع «اشاره به ماقبل»<sup>۲</sup> خواهد بود. در این حالت، کلام یک «مرجع گسترده»<sup>۳</sup> و یک «ارجاع به ماقبل فشرده»<sup>۴</sup> خواهد بود (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۳۶).

۲- «اگر گفته پرداز در ابتدا مطلبی را به شکل اشاره (فشرده) بیان کند و سپس به توضیح و تفسیر آن پردازد، ارتباط هویتی درون کلامی از نوع «اشاره به مابعد»<sup>۵</sup> خواهد بود. در این صورت، کلام یک «ارجاع فشرده»<sup>۶</sup> دارد و «مرجع گسترده»<sup>۷</sup> به پیوست می‌آید؛ برای مثال، اگر گفته پرداز از ابتدا شخصی را خوشبخت فرض کند و آنگاه به توضیح این خوشبختی و ذکر دلایل آن پردازد، در اینجا ما نوعی ارتباط هویتی درون کلامی خواهیم داشت که «اشاره به مابعد» است و در صورتی که گفته پرداز عکس این شگرد را به کار گیرد، یعنی ابتدا به توضیح و تعریف (گسترده‌گی) مسائلی پردازد که تبیین‌کننده خوشبختی باشند و سپس نتیجه بگیرد که آن فرد خوشبخت است، ارتباط هویتی درون کلامی از نوع «اشاره به ماقبل» خواهد بود» (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۳۶).

1 . Identity Relations inside Language

2 . Référence anaphorique

3 . Anaphorisé

4 . Anaphorisant

5 . Référence anaphorique

6 . Cataphorisant

7 . Cataphorisé

(همچنین نک: ◀ ارتباط متقابل، انگاره ◀ ارتباط)

### ارتباطات آوایی یا پیرازبان<sup>۱</sup>

«ارتباطات آوایی یا پیرازبان عبارت است از مطالعه ارزش ارتباطی رفتار آوایی. پیرازبان کلیه نشانه‌های دهانی به جز خود کلمات در مجرای گفتاری را شامل می‌شود» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۲۶۵).

### ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های فضایی در<sup>۲</sup>

«اشاره‌های فضایی (مکان نگر)؛ آن دسته از حرکات و نشانه‌ها که روابط قابل وصف در فضا یا مکان را عینی می‌سازند» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۲۸).  
(همچنین نک: ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های نشانگر در ◀ ارتباطات غیرکلامی، بیان‌گرهای عاطفی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تبدیل‌کننده در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تنظیم‌کننده‌ها در ◀ ارتباطات غیرکلامی، جنبش‌نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حالات تأییدی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حروف اندیشه‌نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، مصورها در)

### ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های نشانگر در<sup>۳</sup>

«اشاره‌های نشانگر (اشاره‌ای)؛ آن دسته از حرکات و نشانه‌ها که منابع قابل دسترس را نشان می‌دهند» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۲۸).  
(همچنین نک: ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های فضایی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، بیان‌گرهای عاطفی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تبدیل‌کننده در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تنظیم‌کننده‌ها در ◀ ارتباطات غیرکلامی، جنبش‌نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حالات تأییدی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حروف اندیشه‌نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، مصورها در)

---

1 . Paralanguage Communication  
2 . Spatial Gestures in Non-verbal Communication  
3 . Spatial Gestures in Non-verbal Communication

### ارتباطات غیرکلامی، بیان گرهای عاطفی در<sup>۱</sup>

«بیان گرهای عاطفی [ابراز کننده های انفعالی]؛ رفتارهای نمایش گونه عاطفی و اشاره های چهره ای که احساسات و عواطف غم یا شادی را بروز می دهند. مثل جمع و جور کردن لب و لوجه، چشمک زدن، ابروها و پلک ها را بالا یا پایین آوردن. (Ekman & Friesen, 1968, 1969a, 1969b)» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۳۶).

همچنین نک: ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره های نشانگر در ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره های فضایی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تبدیل کننده در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تنظیم کننده ها در ◀ ارتباطات غیرکلامی، جنبش نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حالات تأییدی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حروف اندیشه نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، مصورها در

### ارتباطات غیرکلامی، تبدیل کننده در<sup>۲</sup>

«تبدیل کننده ها [مُبدل گرها]؛ رفتارها و حرکاتی می باشند که همراه با احساس خستگی و بی حوصلگی بروز می کنند، لیک از ارزش های اطلاعاتی مفید برخوردارند و نیاز افراد به ابراز هیجان را در برمی گیرند. مثل زدن مکرر انگشتان روی میز یا انداختن پا روی پای دیگر و نگاه های تکراری به ساعت مچی. (Ekman & Friesen, 1968, 1969a, 1969b)» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۳۶).

همچنین نک: ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره های فضایی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، بیان گرهای عاطفی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره های نشانگر در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تنظیم کننده ها در ◀ ارتباطات غیرکلامی، جنبش نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حالات تأییدی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حروف اندیشه نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، مصورها در

### ارتباطات غیرکلامی، تنظیم کننده ها در<sup>۳</sup>

«تنظیم کننده ها [منظم گرها]؛ اعمال و رفتارهای غیرکلامی که ماهیت دوسویگی

---

1. Emotional Expressions in Non-verbal Communication  
2. Adaptors in Non-verbal Communication  
3. Non-verbal Communication, Regulators of

گفت‌و شنود و تعامل اطلاعاتی میان دو نفر یا بیشتر را کنترل می‌کنند. مثل: سر تکان دادن، حرکات و تماس چشمی؛ که برای تشویق به صحبت کردن یا بازداری از انجام کار یا عملی استفاده می‌شوند (Ekman & Friesen, 1968, 1969a, 1969b)» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۳۶).

◀ همچنین نک: ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های نشانگر در ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های فضایی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تبدیل‌کننده در ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های فضایی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، جنبش‌نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حالات تأییدی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حروف اندیشه‌نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، مصورها در

#### ارتباطات غیرکلامی، جنبش‌نگار در<sup>۱</sup>

«جنبش‌نگار (ایمایی)؛ نموداری که حرکات بدن را در قالب گُنش، ایما و اشاره ترسیم می‌کند» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۲۸).

◀ همچنین نک: ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های نشانگر در ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های فضایی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تبدیل‌کننده در ◀ ارتباطات غیرکلامی، بیانگرهای عاطفی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تنظیم‌کننده‌ها در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حالات تأییدی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حروف اندیشه‌نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، مصورها در

#### ارتباطات غیرکلامی، حالات تأییدی در<sup>۲</sup>

«حالات تأییدی (تعلیمی)؛ آن دسته از حرکات و نشانه‌ها که لغات یا عبارت ویژه‌ای را تأیید می‌کنند» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۲۸).

◀ همچنین نک: ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های نشانگر در ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های فضایی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تبدیل‌کننده در ◀ ارتباطات غیرکلامی، بیانگرهای عاطفی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تنظیم‌کننده‌ها

---

1. Non-verbal Communication, Kinetographs of  
2. Non-verbal Communication, Support Cases of

در ◀ ارتباطات غیرکلامی، جنبش نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حروف اندیشه نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، مصورها در

### ارتباطات غیرکلامی، حروف اندیشه نگار در<sup>۱</sup>

«حروف اندیشه نگار (نمادگونه)؛ آن دسته از حرکات و نشانه‌ها که جریان یک فکر یا عقیده را مشخص می‌نمایند» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۲۸).

(همچنین نک: ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های نشانگر در ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های فضایی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تبدیل‌کننده در ◀ ارتباطات غیرکلامی، بیانگرهای عاطفی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تنظیم‌کننده‌ها در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حالات تأییدی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، مصورها در)

### ارتباطات غیرکلامی، مصورها در<sup>۲</sup>

«مصورها [نقش‌گرها]؛ حرکات اندامی توأم با گفتار هستند که برای کمک به توصیف آنچه گفته می‌شود و تعقیب گفتار استفاده می‌شوند. از این نوع حرکات و نقش‌گرها برای تعیین مسیر و تشخیص مکان و روابط فضایی استفاده می‌شود. مثل اشاره دست یا اشیاء به جلو یا عقب رفتن. (Ekman & Friesen, 1968, 1969a, 1969b)» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۳۶).

(همچنین نک: ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های نشانگر در ◀ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های فضایی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تبدیل‌کننده در ◀ ارتباطات غیرکلامی، بیانگرهای عاطفی در ◀ ارتباطات غیرکلامی، تنظیم‌کننده‌ها در ◀ ارتباطات غیرکلامی، جنبش نگار در ◀ ارتباطات غیرکلامی، حالات تأییدی در)

### ارتباطات غیرکلامی، نگاره‌های رمزی در<sup>۳</sup>

«نگاره‌های رمزی [نشانگرها]؛ بخشی از علائم رفتاری هستند که مکمل نمادهای رفتاری بوده و نوعی هیجان بدنی را نشان می‌دهند و شامل اشاره‌های اندامی

---

1 . Non-verbal Communication, Ideographs of  
2 . Non-Verbal Communication, Illustrations in  
3 . Non-Verbal Communication, Symbolic Emblems in

مستقل از گفتار می‌شوند که احتمال دارد به دلیل معانی خاص برانگیزاننده؛ گروه، طبقه، فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌ها دربرگیرنده؛ مثل زبان اشاره کم‌دین‌های صامت و یا ناشنویان. (Ekman & Friesen, 1968, 1969a, 1969b) «ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷: ۳۶».

(همچنین نک: ▶ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های نشانگر در ▶ ارتباطات غیرکلامی، اشاره‌های فضایی در ▶ ارتباطات غیرکلامی، تبدیل‌کننده در ▶ ارتباطات غیرکلامی، بیانگرهای عاطفی در ▶ ارتباطات غیرکلامی، تنظیم‌کننده‌ها در ▶ ارتباطات غیرکلامی، جنبش‌نگار در ▶ ارتباطات غیرکلامی، حالات تأییدی در)

### ارتباطات، محیط چندوجهی

«زبان تمام آن چیزی بوده که تحلیل‌گران به بررسی آن می‌پرداختند و از این رو به عنوان ابزاری کامل در برخورد با تمامی معانی انسانی (منطقی) به حساب می‌آمده است. امروزه در محیط چندوجهی ارتباطات دو موضوع مطرح می‌باشد که یکی مربوط به تناسب ابزارهای بازنمودی است و دیگری مربوط به مجموعه وجوه ارتباطی طراحی شده برای دستیابی به نیازها و امور ارتباطی و بازنمودی می‌باشد. زبان (گفتار و نوشتار)، تصویر (متحرک و ثابت)، ایما و اشاره، موسیقی، مدل‌های سه‌بعدی، فعالیت فیزیکی و رنگ نمونه‌هایی هستند که به صورت روزمره از آنها استفاده می‌شود. هرکدام از این وجوه دارای پتانسیل‌های خاصی هستند و در نتیجه اصولاً مناسب امور ارتباطی و بازنمودی خاص می‌باشند» (کرس، ۱۳۹۲: ۴۰).

(همچنین نک: ▶ رمزها و وجه اشتراک ▶ ایما و اشاره ▶ زبان و گفتار ▶ گفتار ▶ زبان زنده و گفتاری ▶ نشانه تصویری)

### ارتجالی بودن نشانه‌ها

«بدیهی است که ارتجالی بودن نشانه‌ها ما را به قراردادی بودن مناسبت میان دال و مدلول رهنمون می‌گردد. بدین معنا که پیوند میان دال و مدلول معلول میثاق‌های فرهنگی-اجتماعی است. سوسور مدعی بود که نشانه‌هایی که جملگی ارتجالی

هستند، خود بیانگر فراگرد ایدئال نشانه‌شناختی هستند. مراد او این است که زبان گنجینه واژه‌ها نیست و به همین جهت مدلول‌هایش را نباید مفاهیم از پیش ساخته به شمار آورد، بلکه آنها مفاهیمی دگرگون شونده‌اند که این دگرگونی نیز در بستر جامعه و فرهنگ متحقق می‌گردد» (ضمیران، ۱۳۸۲: ۴۶).

(همچنین نک: ◀ دال و مدلول، رابطه ▶ دال و مدلول، مناسبت میان ▶ دلالت صریح و دلالت ضمنی ▶ سمبل ▶ نشانه، سنخ‌های)

### ارجاع<sup>۱</sup>

«نشانه بر چه چیز اشاره دارد؟ در الگوی سه‌گانه پیرس از نشانه برای این پرسش پاسخی وجود دارد: شیء در الگوی دوگانه سوسور از نشانه، ارجاع صریحاً منظور نشده است. در واقع مدلول سوسوری ملزم به ارجاع اشیا جهان نیست. این موضوع را گاهی در پرانتز قرار دادن ارجاع می‌نامند. موارد ارجاعات می‌توانند شامل عقاید، وقایع و اشیا مادی باشند. نظریه پردازان ضد واقع‌گرا مانند فوکو جسمیت ارجاعات را رد کرده‌اند و آنها را محصولاتی زبانی در نظر گرفته‌اند» (چندلر، ۱۹۵۲ م/ ۱۳۸۷ ه.ش: ۳۳۹).

(همچنین نک: ▶ ارزش پیام ▶ کارکرد ارجاعی ▶ پیرس، الگوی سه‌تایی ▶ دلالت ▶ دلالت مستقیم ▶ دلالت، رابطه ▶ ساخت‌گرایی ▶ شیء ▶ زبان ▶ فضای ارجاع)

### ارزش<sup>۲</sup>

۱- «پس قلمرو واقعیت یا تجربه که هر مدلولی به آن رجوع می‌کند، یعنی دلالت نشانه، نه تنها با سرشت آن واقعیت/تجربه، بلکه با مرز مدلول‌های مربوط به نظام تعیین می‌شود؛ بنابراین معنا از راه رابطه یک نشانه با نشانه دیگر بهتر وصف می‌شود تا با رابطه آن نشانه با واقعیت بیرونی. این رابطه نشانه با نشانه‌های دیگر نظام را سوسور ارزش می‌خواند. از نظر سوسور ارزش چیزی است که در وهله اول

---

1. Reference  
2. Value

معنا را تعیین می‌کند» (فیسک، ۱۳۸۸: ۷۲).

۲- «در نظر سوسور، زبان نظامی ارتباطی از ارزش هاست. او ارزش یک نشانه را از دلالت یا معنای ارجاعی آن متمایز می‌داند. نشانه به تنهایی حاوی ارزش مطلق نیست و ارزش آن به روابطش با دیگر نشانه‌های نظام دلالتی وابسته دارد. کلمات در زبان‌های مختلف می‌توانند معانی ارجاعی معادل داشته باشند؛ اما تا وقتی که به شبکه متفاوتی از روابط تعلق دارند قطعاً از ارزشی متفاوتی برخوردارند. تمایز میان ارزش و معنا را می‌توان با تمایز میان دلالت مستقیم (معنای ملفوظ) و دلالت ضمنی (تداعی‌ها) مشابه دانست» (چندلر، ۱۹۵۲ م/۱۳۸۷ ه.ش: ۳۴۹).

۳- «ارزش به عناصر قراردادی قواعد صوری مربوط می‌گردد؛ عناصری از قبیل تمایزات بین واژه‌های مختلف در یک نظام نشانه‌ای که آنها را در حیطه معنا می‌توان به صورت قراردادی نسبی یافت. زمانی که تفاوت‌های منفی دال و مدلول‌ها باهم ترکیب می‌شوند معنایی «مثبت» به وجود می‌آید. معنی مثبت است درحالی‌که ارزش به صورت منفی تعریف می‌گردد» (دینه سن، ۱۳۸۰: ۴۰).

۴- «اصطلاح «ارزش» برای نخستین بار توسط سوسور به کار برده شد» (دینه سن، ۱۳۸۰: ۵۸).

۵- «ارزش‌ها (values). مراد دیدگاه‌هایی است که مردم نسبت به مطلوب و نامطلوب و نیک و بد دارند. ارزش‌های ما، غیرمستقیم بر رفتارمان اثر می‌گذارند و طیف وسیعی از پدیده‌های اجتماعی همچون جنسیت، سیاست، آموزش و غیره را می‌پوشانند» (اجلالی، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

(همچنین نک: ◀ ارزش مفهومی ▶ ارزش و معنی ▶ جهت ▶ زبان ▶ نشانه ▶ نشانه، ارزش ▶ نشانه‌ها، ارزش و اعتبار ▶ نقش نشانه‌ای)

### ارزش توصیفی یا مادی<sup>۱</sup>

«ارزش توصیفی یا مادی»<sup>۲</sup> هرگاه دارنده یا مالک آن را در اختیار دیگری بگذارد، خود

1. Descriptive Values

2. Valeur descriptive ou matérielle



از آن محروم می‌شود» (شعیری، ۱۳۸۱: ۹۶).

### ارزش علمی<sup>۱</sup> یا معنوی

«ارزش علمی یا معنوی» اگر دارنده این نوع ارزش آن را در اختیار دیگران بگذارد، خود از آن محروم نمی‌شود» (شعیری، ۱۳۸۱: ۹۶).  
(همچنین نک: ◀ ارزش‌های علمی و اخلاقی)

### ارزش مفهومی<sup>۲</sup>

۱- «سوسور بین ارزش مفهومی (conceptual) در مورد مدلول و ارزش مادی (material) در مورد دال تفاوت قائل است. ارزش مادی را می‌توان به وسیله الفباء نمایش داد. حروف الفباء، یک مجموعه، یک نظام نشانه‌ای را به وجود می‌آورند. هر حرف در این نظام به خودی خود معنایی ندارد، تنها در ارتباط با سایر اعضاء آن نظام است که معنایی می‌یابد. اگر حرف a را در نظر بگیریم ارزش آن در واقع عبارت است تفاوت مطلق بین آن و سایر عناصر موجود در این نظام به این صورت که  $a = (\text{non-b} + \text{non-c} + \text{non-d} \dots)$ . با توجه به این مفهوم، ارزش هر عنصری به صورتی منفی تعریف می‌گردد و یا به عبارت دیگر ارزش هر عنصر همان‌گونه که از مثال فوق مشهود است به این صورت تعریف می‌گردد برابر نبودن با مجموع سایر عناصر» (دینه سن، ۱۳۸۰: ۳۶).

۲- «مفهوم «ارزش مفهومی» با بررسی جداگانه مدلول و دال مرتبط است. سوسور از خود می‌پرسد با توجه به شباهت زیادی که بین مفاهیم ارزش مفهومی و معنا وجود دارد، چگونه می‌توان آنها را از هم متمایز ساخت. دلیل وجود تشابه بین این دو مفهوم ظاهراً این است که ارزش زیرمجموعه‌ای از معناست. مثال‌هایی که در اینجا مطرح می‌گردد به حیطة معنا مربوط می‌گردند و تفاوت آنها در این است که نحوه تقسیم‌بندی قراردادی نسبی است. سوسور معتقد است که اگر این جنبه در نظر گرفته نشود، رابطه بین مدلول و دال رابطه‌ای بین یک «شیء و

---

1. Scientific Values  
2. Conceptual Value

یک نشانه» تلقی خواهد شد» (دینه سن، ۱۳۸۰: ۳۹).

(همچنین نک: ◀ ارزش مفهومی ◀ ارزش و معنی ◀ جهت ◀ زبان ◀ نشانه ◀ نشانه، ارزش ◀ نشانه‌ها، ارزش و اعتبار ◀ نقش نشانه‌ای)

### ارزش و معنی<sup>۱</sup>

«سوسور بین ارزش و معنی تمایز قائل است. ارزش مقوله‌ای است منفی و معنی مقوله‌ای مثبت» (دینه سن، ۱۳۸۰: ۳۵).

(همچنین نک: ◀ ارزش مفهومی ◀ ارزش و معنی ◀ جهت ◀ زبان ◀ نشانه ◀ نشانه، ارزش ◀ نشانه‌ها، ارزش و اعتبار ◀ نقش نشانه‌ای)

### ارزش‌های علمی و اخلاقی<sup>۲</sup>

«ارزش‌های علمی و اخلاقی ارزش‌هایی هستند که در عین انتقال به دیگران، در اختیار خود انتقال‌دهنده نیز باقی می‌مانند و تمام‌نشدنی هستند» (شعیری، ۱۳۸۱: ۹۶).

(همچنین نک: ◀ ارزش علمی یا معنوی)

### ارزش‌های کیفی<sup>۳</sup>

«ارزش‌های کیفی، الگوی عینی روایت را به وجود می‌آورند. در شرحی که در اینجا داده خواهد شد، کیفیت‌های منطقی پیرس با موقعیت‌های روش نقد روایتی تلفیق می‌گردند. این ارزش‌های کیفی عبارت‌اند از «احتمال»، «الزام» و «امکان». این ارزش‌های کیفی «فضاها» و یا «موقعیت‌های» مختلفی را در جریان متن به وجود می‌آورند که کنشگران داستان یا سعی می‌کند با آنها آشنا شود و یا ذهنش در حیطه تسلط آنها است» (دینه سن، ۱۳۸۰: ۱۴۰).

### از خود بیگانگی<sup>۴</sup>

۱- «از خود بیگانگی (alienation)، این واژه از لحاظ لغوی به معنی فقدان رابطه

---

1. Value and Meaning  
2. Scientific and Moral Values  
3. Qualitative Values  
4. Alienation

۳۵ ▶ (الف)

است و منظور از آن نوعی احساس غربت و جدا افتادگی از دیگران است. شخص از خود بیگانه همچون غریبه‌ای است که هیچ پیوندی با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و یا با گروه‌هایی از آن جامعه، ندارد» (اجالی، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

۲- «اصطلاح از خود بیگانگی یادآور جدایی و فاصله است. این واژه در درون خود به بیگانه‌ای اشاره دارد که به هیچ ارتباطی با دیگران در جامعه زندگی می‌کند. این اصطلاح اهمیتی محوری برای فهم مارکسیسم دارد که از خود بیگانگی را نتیجه نظام اقتصادی سرمایه‌داری می‌داند» (اجالی، ۱۳۸۳: ۷۵).  
(همچنین نک: ◀ با خود بیگانگی)

### اسامی اختصاری<sup>۱</sup>

«نشانه‌های اختصاری‌ای هستند که در اثر ترکیب حروف اول تعدادی واژه ساخته می‌شوند، مانند:

Radar radio detection and rangin  
Posh port ot staboard home

(اچسون، ۱۳۶۳: ۱۹۵)

### استدلال، ساختار مفهومی<sup>۲</sup>

«شرح و تفصیل بیشتر به ساختار مفهومی استدلال و یا توصیف تکیه دارد. آندرو تولسون در سال ۱۹۶۱ کتابی به نام واسطه‌ها: متن و گفتمان در مطالعات رسانه‌های نوشت. وی در این کتاب مدعی شد که ساختار یک بحث، هم واجد ساختاری خطی و هم مبتنی بر سلسله‌مراتب است. در ساختار مورد نظر او می‌توان سه عامل را جستجو کرد: ۱. قضیه یا مجموعه‌ای از قضایا؛ ۲. دلیل و حجت؛ ۳. توجیهات» (ضمیران، ۱۳۸۲: ۱۰۸-۱۰۹).

---

1. Abbreviations  
2. Conceptual Structure of Reasoning